

## تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی

مهدی امینی<sup>۱</sup>، زهرا امینی<sup>۲</sup>

۱. استادیار، گروه حقوق دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱)

### چکیده

با استناد به بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، می‌توان کودکانی را که در ایران از مادران ایرانی و پدران غیرایرانی متولد شده‌اند دارای تابعیت ایرانی دانست. اما مشکل این است که عمده این ازدواج‌ها بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی صورت می‌گیرد. بنابراین، هر راه‌حلی برای این مسئله باید همه فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها، اعم از قانونی و غیرقانونی، را دربرگیرد. قانون‌گذار، در ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی (مصوب ۱۳۸۵)، اعطای تابعیت ایرانی به این فرزندان پس از رسیدن به هجده‌سالگی را پیش‌بینی کرده بود. با این حال، ایرادهای زیادی به این ماده واحده وارد بود. برای رفع این مشکلات، مطابق قانون جدید، مادران ایرانی می‌توانند قبل از رسیدن فرزند به هجده‌سالگی برای او تقاضای تابعیت ایرانی کنند. این قانون تقریباً همه شرایط مقرر در قانون سابق برای اعطای تابعیت، از جمله شرط تولد در ایران و عدم سوء پیشینه کیفری و رد تابعیت خارجی، را حذف کرده و فراتر از حل یک مشکل قاعده‌ای در خصوص تابعیت ایجاد کرده است؛ اقدامی که به‌خصوص در ارتباط با حذف شرط تولد در ایران، حذف شرط رعایت ماده ۱۰۶۰، و نحوه تأمین دغدغه‌های امنیتی قابل نقد به نظر می‌رسد. قانون مذکور درصدد اعطای تابعیت اکتسابی به این فرزندان است و نه اعطای تابعیت بر اساس سیستم خون. این پژوهش با روشی تحلیلی درصدد بررسی و نقد قانون مذکور و چالش‌های متعدد پیرامون آن است.

### کلیدواژگان

ازدواج زنان ایرانی، تابعیت، تابعیت اکتسابی، تابعیت مادری، مادر ایرانی، مردان غیرایرانی.

## مقدمه

ایران در چهار دهه اخیر با موج مهاجرت اتباع خارجی از کشورهای همسایه مواجه بوده است. یکی از آثار این مهاجرت‌ها و اقامت‌ها ازدواج مردان خارجی (عمدتاً اتباع افغانستان و عراق) با زنان ایرانی است. این پدیده آثار مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، و حقوقی دارد. آثار حقوقی چنین ازدواج‌هایی تأثیری است که بر وضعیت حقوقی زن ایرانی، مرد غیرایرانی، و کودک یا کودکان آن‌ها می‌گذارد. حساسیت و چندوجهی بودن موضوع به نحوی است که نمی‌توان صرفاً به تحلیل‌های حقوقی محض اکتفا کرد. هر اظهارنظری باید با لحاظ آثار سیاسی، اقتصادی، امنیتی، و البته حقوق بشری آن باشد. تعیین و تحلیل بیشتر آثار حقوقی این ازدواج‌ها فرع بر تأثیر آن‌ها بر موضوع تابعیت است. در ایران، سال‌هاست در خصوص تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی بحث می‌شود. مشکل بیش از آنکه ناشی از عدم امکان شناسایی تابعیت ایرانی برای این اشخاص بر اساس سیستم خاک و مستند به بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی باشد، ناشی از عدم رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و فقدان مدارک اثباتی است. با این توضیح که عمده این ازدواج‌ها بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و تحصیل پروانه زناشویی صورت می‌گیرد. بنابراین، در دفاتر ازدواج ایران و نیز اسناد سجلی ثبت نمی‌شود. به این ترتیب، جامعه با بسیاری از فرزندان متولدشده از این ازدواج‌ها مواجه است که فاقد اسناد هویتی‌اند. امکان تحصیل در مدارس ایران، کار و اشتغال، تملک اموال، تعهدات مالیاتی، یارانه نقدی، پوشش‌های بیمه‌ای و تأمین اجتماعی، خدمت تحت سلاح، جرایمی که ممکن است این اشخاص در ایران مرتکب شوند، نفقه، حضانت، ولایت و قیمومت بر این افراد، وصیت و ارث، و به طور کلی رعایت مقررات احوال شخصیه از مسائل و مشکلات حقوقی هستند که در ارتباط با این ازدواج‌ها مطرح می‌شوند و چنان‌که اشاره شد برای پاسخ به آن‌ها نخست باید تأثیر این ازدواج‌ها بر موضوع تابعیت بررسی شود.

در سال ۱۳۸۵ قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی<sup>۱</sup> به تصویب رسید. این ماده واحده امکان اعطای تابعیت ایرانی به فرزندان حاصل از

۱. با توجه به طولانی بودن عنوان قانون مذکور و به جهت رعایت اختصار و یکنواختی، از این پس، در این نوشتار، با

ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی را پس از رسیدن این اشخاص به هجده سالگی فراهم کرد. ایرادهای زیادی به این ماده واحد وارد بود که مهم‌ترین آن بلا تکلیفی حقوقی شخص قبل از رسیدن به هجده سالگی بود. برای رفع این ایرادها، قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، پس از کش و قوس‌های فراوان، در مهرماه ۱۳۹۸، به تصویب رسید. بر اساس این قانون، مادران ایرانی می‌توانند قبل از رسیدن فرزندشان به هجده سالگی برای آن‌ها تقاضای تابعیت ایرانی کنند. علاوه بر این، خود شخص نیز پس از رسیدن به هجده سالگی می‌تواند تقاضای تابعیت ایران کند. این قانون می‌تواند با اعطای تابعیت به این افراد تحول مهمی در قواعد تابعیت ایران ایجاد کند. با این حال حذف شرط تولد در ایران، شمول ماده به ازدواج‌های شرعی (و نه لزوماً قانونی)، و نیز نحوه تأمین دغدغه‌های امنیتی پیرامون آن انتقادهایی را نیز در ارتباط با آن برانگیخته است.

در این پژوهش تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی با توجه به قانون مذکور تحلیل خواهد شد و از این جهت نسبت به آثاری که سابقاً در این خصوص تألیف شده اند بدیع خواهد بود. تحلیل موضوع بر اساس قانون مدنی، فلسفه وضع و قلمرو قانون اصلاحی، نوآوری‌های قانون مذکور و نقد آن‌ها با نگاهی به آخرین تحولات مقررات تابعیت کشورهای عمده مهاجر فرست به ایران (افغانستان و عراق) و تأثیری که مقررات این کشورها می‌تواند بر وضعیت حقوقی این اشخاص داشته باشد، شرایط اخذ تابعیت بر اساس قانون اصلاحی، نوع تابعیت اعطایی، تأثیر قانون اصلاحی بر نظام تابعیت ایران و ارتباط آن با مقررات تابعیت قانون مدنی، به خصوص بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ موضوعاتی است که سعی شده در این پژوهش تحلیل حقوقی شود. با توجه به جدید بودن قانون، سؤالات و چالش‌های زیادی در خصوص آن وجود دارد که باید به آن‌ها پرداخته شود.

---

عنوان «ماده واحد» به آن اشاره خواهد شد. همچنین از «قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی (مصوب ۱۳۹۸)» با عنوان «قانون اصلاحی» یاد خواهد شد.

### بررسی موضوع بر اساس قانون مدنی، تحلیل بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶

قانون مدنی ایران در ماده ۹۷۶ اتباع ایران را مشخص کرده است. موضوع بندهای ۴ و ۵ این ماده تابعیت کودکانی است که از پدر خارجی در ایران متولد می‌شوند. بند ۴ این ماده «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند» را تبعه ایران اعلام می‌کند. تابعیت بر اساس این بند از تابعیت‌های اصلی ایران به شمار می‌آید و با تولد شخص آغاز می‌شود (سلجوقی ۱۳۹۵: ۱۹۳؛ نصیری ۱۳۹۷: ۶۳). اما این ماده هیچ نقش و جایگاه مستقلی برای مادر ایرانی در انتقال تابعیت دولت متبوع خود به فرزندش قائل نشده است و حتی به صراحت فرزندان متولد شده در ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی، که او نیز در ایران متولد شده، را ایرانی ندانسته است (عزیزی و حاجی‌عزیزی ۱۳۹۰: ۱۵۳). برای رفع این نقیصه، برخی حقوقدانان نظر داده‌اند که بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به طریق اولی شامل فرزندان که در ایران از مادر ایرانی و پدر خارجی متولد شده‌اند هم می‌شود. «قید خارجی بودن ابویین صرفاً از باب غلبه و با توجه به این نکته است که در غالب موارد حکم مذکور در این بند در مورد متولدین از ابویین خارجی مصداق می‌یابد. بنابراین، این قید خصوصیتی در بیان حکم مذکور در بند چهارم ندارد. بر این اساس، طفل متولد از پدر خارجی و مادر ایرانی، در ایران، مشروط بر اینکه یکی از ابویین هم سابقه تولد در ایران داشته باشند، مشمول بند مذکور بوده و تبعه ایران محسوب خواهد شد» (عابدیان ۱۳۷۸: ۳۴۴؛ امامی ۱۳۸۳: ۱۸۳؛ مدنی ۱۳۸۷: ۱۰۱ که این اولویت را حتی در فرضی که مادر تبعه ایران است اما در خارج از ایران به دنیا آمده نیز جاری می‌داند). برخی حقوقدانان نیز،

۱. مرحوم امامی در شرح بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی متعرض فرضی که طفل از مادر ایرانی و پدر خارجی در ایران متولد شده نمی‌شود. در عوض از بند مذکور انتقاد می‌کند که شامل فرضی که طفل از پدر خارجی و مادر ایرانی، که هیچ‌یک در ایران متولد نشده‌اند، نمی‌شود و استدلال می‌کند: «طفل متولد در ایران که دارای پدر خارجی و مادر ایرانی که در خارجه متولد شده است ایرانی‌تر از طفلی است که از پدر و مادر خارجی، که یکی از آنها در ایران متولد شده است، به وجود آید» (امامی ۱۳۸۳: ۱۸۳). این بیان، چنان‌که برخی حقوقدانان نیز به‌درستی اشاره کرده‌اند (عزیزی و حاجی‌عزیزی ۱۳۹۰: ۱۵۵)، نشان می‌دهد از نظر مرحوم امامی تابعیت ایرانی طفلی که از پدر خارجی و مادر ایرانی در ایران متولد شده قطعی و مسلم است.

بدون ذکر دلیلی، طفلی را که در ایران از مادر ایرانی متولد ایران به دنیا آمده مشمول این بند می‌داند (سلجوقی ۱۳۹۵: ۱۹۳).

اداره حقوقی دادگستری نیز در یکی از نظریات خود اعلام کرده است: «قید خارجی بودن ابوی در بند ۴ خصوصیت ندارد و طفل فقط از جهت تولد یکی از ابوی در ایران تبعه ایران است، نه خارجی بودن آن‌ها. بنابراین، مادر ایرانی متولد در ایران، علاوه بر شمول مناط حکم، تابعیت ایرانی را نیز دارد و بنابراین قیاس اولویت و تنقیح مناط حکم بند ۴ طفل متولد از او ایرانی است. اما در مورد طفلی که مادر ایرانی او در خارج متولد شده مناط مذکور در بند ۴ صادق نیست.<sup>۱</sup> بدون تردید این حکم در موردی نیز جاری خواهد بود که مادر ایرانی تابعیت ایرانی خود را از دست داده است» (عابدیان ۱۳۷۸: ۳۴۵). در مقابل گفته شده: «استدلال‌های یادشده [در فوق] اگرچه با واقعیات اجتماعی منطبق است، لیکن از لحاظ حقوقی محض فاقد توجیه منطقی است. زیرا بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به عنوان پذیرش سیستم خاک در مقام بیان استثنا ذکر گردیده است و چون در تفسیر امور استثنایی می‌بایست به قدر متیقن استثنا اکتفا کرد، لذا در این مقام، به عنوان استثنا، مقدار یقین‌آور خارجی بودن هر دو والدین طفل است و نمی‌توان با این بینش مفهوم آن را به مادر ایرانی نیز تسری داد. زیرا باید توجه داشت که قیاس اولویت از ابزارهای تفسیر موسع می‌باشد؛ حال آنکه در این مقام (تفسیر حالت استثنا) می‌بایست نوع تفسیر مضیق باشد. به همین دلیل نمی‌توان از قیاس اولویت استفاده نمود» (فدوی لنجوانی ۱۳۸۵: ۷۰).

برخی حقوقدانان نیز بند ۴ ماده ۹۷۶ را در فرضی که مادر ایرانی است (اعم از اینکه مادر متولد ایران باشد یا خارج از ایران) قابل اجرا نمی‌دانند و بر این اساس خواهان تجدیدنظر در ماده ۹۷۶ شده‌اند (ارفع‌نیا ۱۳۹۵: ۸۲). البته باید توجه داشت که حتی با قبول این دیدگاه، در فرضی که با ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی تابعیت زوج بر او تحمیل شود (چنان‌که تا سال ۱۳۷۹ و قبل از

۱. نظریه شماره ۳۸۰۷ مورخ ۱۳۵۳/۶/۶. در نظریه‌های شماره ۷/۸۳۴۲ مورخ ۱۳۷۶/۱۲/۴ و ۷/۶۵۲۲ مورخ ۱۳۸۰/۸/۲ و ۷/۷۰۴۰ مورخ ۱۳۸۳/۹/۲۲، اداره حقوقی قوه قضاییه در استدلال‌هایی مشابه این اطفال را مشمول مفهوم موافق بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون و دارای تابعیت ایرانی دانسته است.

اصلاح مقررات تابعیت افغانستان، در خصوص ازدواج زنان ایرانی با اتباع آن کشور، وضع بدین شکل بود)، این بند می‌تواند فرزندانِ زنان (سابقاً) ایرانی را هم دربرگیرد. زیرا، در زمان تولد طفل، مادر تابعیت خارجی دارد و با توجه به تابعیت خارجی پدر و نیز تولد مادر در ایران شرایط برای اعمال بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی فراهم است؛ مگر اینکه گفته شود منظور از خارجی در این بند اشخاصی است که اصالتاً خارجی باشند و بنابراین مادر سابقاً ایرانی را دربر نمی‌گیرد که چنین قید و اختصاصی فاقد هر گونه دلیلی است. البته شرط تحمیل تابعیت خارجی بر زن و نتیجتاً سلب تابعیت ایرانی او این است که ازدواج به صورت قانونی و با رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی صورت گرفته باشد (ارفع نیا ۱۳۸۵: ۹۶). بنابراین، در بیشتر این ازدواج‌ها، به سبب عدم تحصیل پروانه زناشویی و غیرقانونی بودن نکاح، تغییر تابعیتی هم صورت نمی‌گیرد. در مقام تحلیل نظریات ارائه‌شده و داوری بین آنها، می‌توان گفت توجه به ظاهر ماده و تأکید روی قید خارجی بودن پدر و مادر سبب می‌شود در فرضی که مادر تابعیت ایرانی خود را حفظ می‌کند این بند شامل فرزندان مورد بحث در این نوشتار نشود. چون قدر متیقن از این بند فرزند متولد از پدر و مادر خارجی است که یکی از آنها در ایران متولد شده باشد.

در بند ۵ این ماده دربارهٔ تابعیت مادر بحث نشده است. مطابق این بند، به وجود آمدن<sup>۱</sup> در خاک ایران از پدر خارجی و اقامت یک‌ساله در ایران پس از رسیدن به هجده‌سالگی<sup>۲</sup> شرط تابعیت ایرانی برای شخص است. گفته شده: «این نوع از تابعیت حالت بینابینی دارد. نه به طور

۱. ممکن است این پرسش مطرح شود که منظور از اینکه «... در ایران از پدری که تبعهٔ خارجه است به وجود آمده ...» تولد در خاک ایران است یا انعقاد نطفه یا هر دو. زیرا ممکن است انعقاد نطفه و تولد هر یک در یک کشور روی داده باشد. به نظر می‌رسد در بحث تابعیت آنچه اهمیت دارد تولد طفل است نه انعقاد نطفه. رویهٔ مقنن در سایر مواد قانون مدنی که مرتبط با بحث تابعیت است مؤید این نظر است (مدنی ۱۳۸۷: ۱۰۱).

۲. در خصوص مدت زمان اقامت لازم برای استفاده از این بند بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. منشأ این اختلاف به تفسیر عبارت «یک سال دیگر» در بند مذکور برمی‌گردد. گروهی بر آن‌اند که شخص باید از بدو تولد تا هجده‌سالگی و نیز یک سال پس از آن را در ایران اقامت داشته باشد. گروهی فقط یک سال اقامت بین هجده تا نوزده سالگی را لازم می‌دانند. و گروه دیگر یک مدت قبل از رسیدن به هجده‌سالگی (برخی پنج سال و برخی بیشتر) و یک سال در فاصلهٔ هجده تا نوزده سالگی را لازم دانسته‌اند. برای مطالعهٔ مشروح نظرات ← عزیزی و حاجی‌عزیزی ۱۳۹۰: ۱۵۲-۱۵۳.

کامل اصلی است و نه کاملاً اکتسابی. از آنجایی که این تابعیت به لحاظ تولد در ایران اعطا می‌شود، در زمره تابعیت‌های اصلی می‌باشد و از آن جهت که تحقق آن منوط به گذراندن شرط اقامت در ایران و رسیدن به سن ۱۹ سالگی است، می‌تواند از تابعیت‌های اکتسابی محسوب گردد. به همین جهت است که به آن تابعیت مشروط اطلاق شده است» (شیخ‌الاسلامی ۱۳۸۴: ۵۴؛ سلجوقی ۱۳۹۵: ۱۹۴). با این حال نظر مشهور در بین حقوقدانان ایرانی این است که این تابعیت نوعی تابعیت تولدی متزلزل است. در دفاع از این نظر استدلال شده است که این امتیاز به واسطه تولد در خاک ایران به این فرزندان اعطا شده و قانون‌گذار برای سایر اطفال متولد از پدر خارجی که در ایران به دنیا نیامده‌اند چنین امتیازی قائل نشده است و این معنا کاملاً از تولدی بودن تابعیت طفل مذکور حکایت دارد (فدوی ۱۳۸۵: ۷۶). علاوه بر این، در بند ۵ ماده ۹۷۶ نیاز به درخواست یا اقدامی نیست و با گذشت دوره اقامت یک‌ساله تابعیت فرد تثبیت می‌شود.

برخلاف بند قبلی، در خصوص این بند تردیدی وجود ندارد که فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مشمول این بند می‌شوند. زیرا شروط خارجی بودن پدر، تولد در ایران، و اقامت در ایران عموماً درباره آن‌ها محرز است. البته، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی که در خارج از ایران متولد می‌شوند از شمول بند مذکور خارج‌اند.

### فلسفه و قلمرو ماده واحده و قانون اصلاح آن

ممکن است این پرسش مطرح شود که با وجود بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، دلایل وضع ماده واحده و سپس قانون اصلاح آن چه بوده است و وضع این قانون چه تأثیری بر بندهای یادشده گذاشته است؟ هرچند مطابق اعلامیه طراحان طرح پیشنهادی قانون ماده واحده سال ۸۵ وجود پاره‌ای ابهامات در ماده ۹۷۶ انگیزه طراحان برای ارائه طرح پیشنهادی خود بوده است (فدوی ۱۳۸۵: ۷۸)، به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل برای لزوم وضع چنین قانونی عدم رعایت مقررات ماده ۱۰۶۰ در ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی و به‌ویژه با مردان تبعه افغانستان بوده است که نتیجه آن خیل کودکان بی‌تابعیت و بی‌هویت بود.<sup>۱</sup> آیین‌نامه «صدور پروانه زناشویی بانوان

۱. برای دیدن نظر مشابه ← ارفع‌نیا ۱۳۸۷: ۲۳.

ایرانی با اتباع بیگانه»، مصوب ۱۳۴۵، شرایط اخذ پروانه زناشویی را تعیین می‌کند. بر اساس این آیین‌نامه، برای صدور پروانه زناشویی ارائه مدارک متعدد لازم است. از آنجا که بسیاری از مردان تبعه افغانستان که با زنان ایرانی ازدواج کرده‌اند، به جهت اقامت غیرقانونی در ایران، امکان مراجعه به ادارات دولتی ایران را نداشتند<sup>۱</sup> و حتی در صورت داشتن اقامت فاقد سایر شرایط مقرر در آیین‌نامه مذکور بودند، این ازدواج‌ها بدون تحصیل پروانه زناشویی صورت گرفته است (صدر ۱۳۸۶: ۶۴) و در آن‌ها به صیغه شرعی نکاح اکتفا شده است. فارغ از اختلاف نظرهای ماهوی<sup>۲</sup> که در خصوص ضمانت اجرای این‌گونه نکاح‌ها در نظام حقوقی ایران وجود دارد، نتیجه عملی عدم رعایت ماده ۱۰۶۰ عدم ثبت نکاح زوجین در دفاتر ازدواج، عدم درج نام زوج در شناسنامه زوجه، و نهایتاً عدم صدور شناسنامه برای فرزندان متولد از این ازدواج‌ها بود. در واقع، مشکل این نبود که یک خلأ قانونی در مقررات تابعیت ایران وجود دارد که نمی‌تواند تابعیت چنین فرزندان را پوشش دهد، مشکل ناشی از عدم رعایت مقررات ازدواج با اتباع خارجی بود. از سال ۱۳۶۳ و با اضافه شدن تبصره‌ای به ماده ۴۵ قانون ثبت احوال، مادران ایرانی برای اخذ شناسنامه ایرانی برای فرزندان با مشکل مواجه شدند. مطابق این تبصره، در مواردی که تابعیت افراد مورد تردید واقع شود باید مراتب جهت اثبات تابعیت به شورای تأمین استان ارجاع شود (نجفی‌راغب ۱۳۹۲: ۴). ماده واحده سال ۸۵ نیز در حد خود پاسخی بود برای این معضل؛ هرچند، به باور برخی، مشکل به ماده ۹۷۶ مربوط بوده است: «با عنایت به ماده ۹۷۶ قانون مدنی، اطفال مورد بحث مشمول هیچ‌یک از بندهای ماده ۹۷۶ قانون مدنی نمی‌باشند. عدم امکان بهره‌برداری این اطفال از احکام مقرر در ماده ۹۷۶ قانون مدنی و وجود اطفال فاقد تابعیت در ایران دولت را بر آن داشت تا با

۱. برای مطالعه در خصوص دلایل این‌گونه ازدواج‌ها ← ایمانی نائینی و همکاران ۱۳۹۰. برای مطالعه سیر تحولات این موضوع ← صدر ۱۳۸۶.

۲. برخی حقوقدانان، با این استدلال که به جهت تأییراتی که چنین نکاحی بر تابعیت دارد دولت باید بر آن نظارت سیاسی داشته باشد، به عدم نفوذ نکاح در فرض عدم تحصیل اجازه دولت ایران قائل‌اند (کاتوزیان ۱۳۷۵: ۱۰۶). در مقابل گفته شده «ازدواج بدون پروانه مخصوص نافذ است و دولت نمی‌تواند آن را ابطال کند. زیرا قانون نبودن اجازه را مانع نکاح به شمار نیاورده است و ظاهراً آن را امری جدا از شرایط و موانع نکاح دانسته است» (صفایی و امامی ۱۳۸۵: ۹۶).



تصویب قانونی در سال ۱۳۸۵ نسبت به رفع این مشکل چاره‌اندیشی نماید» (عباسی و بداعی ۱۳۸۸: ۱۰۰).

صدر ماده واحد مصوب ۸۵ (در خصوص فرزندان که در ایران از ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی متولد شده‌اند یا تا یک سال پس از تصویب این قانون متولد شوند (متولدین ۱۳۸۶/۷/۲ و قبل از آن)) حتی در خصوص ازدواج‌هایی که بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی صورت گرفته بود هم اعمال می‌شد (تدین و یوسفی ۱۳۸۷: ۲۱). زیرا در اصل وضع این قانون برای حل مشکل فرزندان حاصل از چنین ازدواج‌هایی بود. به همین سبب صدر ماده برخلاف تبصره ۲ هیچ اشاره‌ای به لزوم رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی نمی‌کرد.

قانون اصلاحی، به طور کلی، فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیرایرانی را شامل می‌شود؛ بدون اینکه تفاوتی بین فرزندان متولد قبل از تصویب این قانون با بعد از آن قائل شود و بدون اینکه مهلت قانونی برای شمول آن در نظر گرفته شود. بنابراین، ملاحظه می‌شود که قلمرو شمول این قانون بسیار بیش از قانونی است که برای اصلاح آن به تصویب رسیده است.

### تحلیل و نقد نوآوری‌های قانون جدید

قانون جدید اگرچه با عنوان قانون اصلاح ماده واحد تصویب شده است، از جهات مختلف با آن تفاوت دارد و آثاری به مراتب گسترده‌تر نسبت به قانون مورد بحث خواهد داشت. در ادامه مهم‌ترین نوآوری‌های قانون مذکور تحلیل می‌شود.

### امکان تقاضای تابعیت ایرانی توسط مادر

مطابق قانون اصلاحی، مادر ایرانی از زمان تولد فرزند حاصل از ازدواج وی با مرد غیرایرانی تا قبل از رسیدن فرزند به هجده سالگی می‌تواند برای او درخواست تابعیت ایرانی کند. این در حالی است که مطابق ماده واحد چنین امکانی وجود نداشت و فقط خود شخص پس از رسیدن به هجده سالگی می‌توانست تقاضای تابعیت ایرانی کند. بنابراین، اشخاص مذکور تا قبل از رسیدن به هجده سالگی امکان تحصیل تابعیت ایرانی را نداشتند و در بلاتکلیفی حقوقی سرگردان بودند. از این جهت، این نوآوری شاید مهم‌ترین نوآوری قانون مورد بحث و گام بلندی در مسیر رسیدن این اشخاص به

حقوق شهروندی خود باشد. با این حال، در متن قانون هیچ اشاره‌ای به نحوه و فرایند درخواست تابعیت توسط مادر نشده است. حتی پیش‌بینی تصویب آیین‌نامه‌ای هم در خصوص تشریفات و نحوه اخذ تابعیت نشده است؛ موضوعی که می‌تواند موجب سردرگمی این دسته از مادران ایرانی، که عمدتاً از اقشار ضعیف جامعه هستند، شود (نجفی‌راغب ۱۳۹۷: ۲). سؤالی که ممکن است مطرح شود این است که آیا این قانون شامل ازدواج‌هایی که با رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی صورت گرفته هم می‌شود؟ زیرا صدر ماده به ازدواج‌های شرعی اشاره می‌کند و ممکن است این تصور ایجاد شود که ازدواج‌های قانونی از شمول این مقررره خروج موضوعی دارند؛ به‌خصوص در فرضی که ازدواج سبب تغییر تابعیت زن شده باشد. زیرا ممکن است گفته شود این زن اکنون تابعیت ایرانی ندارد و عنوان «زن ایرانی» و «مادر ایرانی» بر او صدق نمی‌کند و بنابراین مشمول مقررات قانون جدید نخواهد بود. به نظر می‌رسد اطلاق صدر این ماده شامل همه موارد ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی می‌شود. علاوه بر این ترکیب «زن ایرانی» به اعتبار تابعیت زن در زمان ازدواج به کار برده شده<sup>۱</sup> و بنابراین شامل مواردی هم که تابعیت او بر اثر ازدواج تغییر کرده می‌شود.

قانون در خصوص فرضی که مادر قبل از تقاضای تابعیت و نیز قبل از رسیدن فرزند به هجده سالگی فوت کند یا محجور شود به هر دلیلی برای فرزند خود تقاضای تابعیت نکند ساکت است و صرفاً مقرر کرده در صورت عدم درخواست تابعیت توسط مادر فرزند، خود، پس از رسیدن به هجده سالگی، می‌تواند تقاضای تابعیت ایرانی کند. بنابراین، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا تقاضا از جانب مادر جزء شرایط اعطای تابعیت است؟ به عبارت دیگر اشخاصی که می‌توانند تقاضای تابعیت کنند منحصر به مادر و خود شخص است؟ به نظر نگارندگان، موضوع به این شکل نیست. آنچه شرط اعطای تابعیت ایرانی است تولد از مادر ایرانی است، نه تقاضا از جانب او. بنابراین درخواست اعطای تابعیت باید از قیّم یا ولی طفل هم پذیرفته شود.

۱. زیرا قانون‌گذار به ازدواج نظر داشته و در زمان ازدواج زن تابعیت ایرانی دارد، ولو آنکه بعداً تابعیت ایرانی خود را از دست بدهد. اگر مقصود قانون‌گذار غیر از این باشد، دقیق‌تر این بود که از ترکیب «مادران ایرانی» استفاده می‌کرد تا فقط فرزندان را شامل شود که مادر آنها در زمان تولد تابعیت ایرانی داشته باشد.

پرسش دیگری که ممکن است مطرح شود این است که آیا درخواست تابعیت برای فرزند تکلیف مادر ایرانی است، به نحوی که ترک آن سبب مسئولیت او شود، یا اختیاری است برای او؟ از متن قانون اصلاحی، تکلیف استنباط نمی‌شود (... به درخواست مادر ایرانی ... به تابعیت ایران درمی‌آیند). مقنن فرض عدم درخواست توسط مادر را مد نظر داشته و مقرر کرده در این فرض فرزند می‌تواند پس از رسیدن به هجده‌سالگی شخصاً تقاضای تابعیت کند. اما ضمانت اجرایی برای عدم درخواست مادر مقرر نشده است. مقررات قانون مدنی در باب تابعیت نیز تکلیفی بر والدین بار نمی‌کند. زمانی هم که بحث از حق بر تابعیت می‌شود این حق در مقابل دولت‌ها مطرح می‌شود (بیات‌کمیتکی و بالوی ۱۳۹۴) و نه والدین. با این حال پذیرش اینکه مادر می‌تواند از درخواست تابعیت برای فرزند صرف‌نظر کند، بدون اینکه هیچ مسئولیتی متوجه او باشد، دشوار می‌نماید. زیرا اولاً قانون حق اخذ تابعیت را به این فرزندان داده و قبل از رسیدن به هجده‌سالگی تحصیل این حق به وسیله مادر ممکن است. به نظر می‌رسد عرف اقدامات لازم برای تحصیل حق قانونی فرزند را لازم می‌داند. به عبارت دیگر، اهمال و مسامحه مادر را می‌توان عملی غیرمعارف تلقی کرد؛ به خصوص که تابعیت شرط لازم برای برخورداری فرزند از بسیاری از حقوق قانونی است. ثانیاً عدم تحصیل تابعیت برای فرزند موجب بلا تکلیفی حقوقی او می‌شود و می‌تواند سبب ورود زیان‌های مادی و معنوی به او شود.

### حذف شرط تولد در ایران

از دیگر نوآوری‌های قانون اصلاحی حذف شرط تولد فرزند در ایران است. در متن قانون مذکور به لزوم تولد فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد غیرایرانی در خاک ایران هیچ اشاره‌ای نشده است. در خصوص مادر ایرانی نیز شرط تولد در ایران مقرر نشده است. این در حالی است که هم در متن ماده واحده مصوب ۱۳۸۵ و هم در بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران شرط تولد در ایران وجود دارد. به نظر می‌رسد وضعیت تابعیت فرزند مرحوم مریم میرزاخانی، نایغه فقید ایرانی، و امکان اعطای تابعیت در چنین مواردی بر ذهنیت تدوین‌کنندگان لایحه و نیز تصویب‌کنندگان آن تأثیرگذار بوده است. حذف این شرط و اعطای تابعیت به فرزندان که از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی در خارج از ایران به دنیا می‌آیند از جهات مختلف قابل انتقاد به نظر می‌رسد. مرکز

پژوهش‌های مجلس نیز در گزارش کارشناسی خود در زمینه لایحه مذکور، به دلایل مختلف، از حذف شرط تولد در ایران انتقاد کرده است (مرکز پژوهش‌ها ۱۳۹۸: ۲-۳).

اولاً این مقرر امکان اعطای تابعیت به اشخاصی را فراهم می‌کند که ممکن است علقه و ارتباط چندانی با کشور ایران نداشته باشند. مثلاً زنی که از پدر ایرانی در خارج از ایران به دنیا آمده و با مرد غیرایرانی ازدواج کرده می‌تواند برای فرزند خود، که او هم در خارج از ایران به دنیا آمده، تقاضای تابعیت کند. ثانیاً، فرزندی که در خارج از ایران از پدر غیرایرانی و مادر ایرانی به دنیا آمده است، احتمالاً، بر مبنای سیستم خاک تابعیت کشور محل تولد<sup>۱</sup> یا بر اساس سیستم خون تابعیت پدر یا هر دو تابعیت را خواهد داشت. بنابراین، اخذ تابعیت ایرانی به بروز تابعیت مضاعف منجر خواهد شد؛ درحالی‌که یکی از اصول پذیرفته‌شده در بحث تابعیت اصل تابعیت واحد و پرهیز از تابعیت مضاعف است (نصیری ۱۳۸۵: ۴۱). برای بررسی احتمال بروز تابعیت مضاعف، قوانین تابعیت دو کشور مهم مهاجرفرست به ایران بررسی می‌شود. قانون تابعیت افغانستان (مصوب ۱۴۲۱ ق/ ۱۳۷۹ ش) در فرضی که فقط یکی از ابویین طفل (حتی پدر) افغانستانی باشند طفل را به صورت مطلق تبعه افغانستان نمی‌داند. بر اساس ماده ۱۰ این قانون در شرایطی که یکی از پدر یا مادر طفل افغانستانی باشد، برای آنکه طفل نیز تبعه افغانستان محسوب شود، باید یا در خاک افغانستان متولد شده باشد یا یکی از والدین او در افغانستان اقامت دائم داشته باشد یا اینکه پدر و مادر طفل، با توافق یک‌دیگر، برای طفلی که در خارج از افغانستان به دنیا آمده تابعیت افغانستان را انتخاب کرده باشند. با این شرایط، احتمال اینکه طفل متولد از پدر افغانستانی و مادر ایرانی در ایران یا در کشور ثالث تابعیت افغانستان را نداشته باشد بسیار زیاد است؛ درحالی‌که اگر فرزند در افغانستان به دنیا آمده باشد یا یکی از والدین او در افغانستان اقامت دائمی داشته باشد، شخص تابعیت افغانستان را خواهد داشت و از موارد تابعیت مضاعف است.

---

۱. از میان کشورهایی که جزء مقاصد مهم مهاجران ایرانی هستند و احتمال دارد فرزندان مادران ایرانی در آن‌ها متولد شوند و صرف‌نظر از تابعیت پدر، بر اساس سیستم خاک، تابعیت کشور محل تولد را دریافت کنند می‌توان به آمریکا و کانادا اشاره کرد.

بند اول ماده ۳ قانون تابعیت عراق (مصوب ۲۰۰۶) طفل متولد از پدر عراقی را به صورت مطلق تبعه عراق می‌داند و بنابراین در هر دو فرض (تولد فرزند در ایران یا در خارج از ایران) تابعیت مضاعف رخ خواهد داد.

### حذف شرط عدم سوء پیشینه کیفری و شرط رد تابعیت

در ماده واحد مصوب سال ۱۳۸۵، نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیرایرانی هم از دیگر شرایط اعطای تابعیت بر اساس صدر ماده واحد ذکر شده است؛ در حالی که در قانون اصلاحی نداشتن مشکل امنیتی جایگزین نداشتن سوء پیشینه کیفری و امنیتی شده است. به ظاهر، قانون‌گذار نخواسته سوء پیشینه کیفری (غیر امنیتی) مانع اخذ تابعیت شود. شرط رد تابعیت خارجی در فرضی مطرح می‌شود که شخص، خود، پس از رسیدن به هجده سالگی تقاضای تابعیت می‌کند. اثر این شرط باید از منظر نظام حقوقی ایران و کشور متبوع و نیز از منظر بین‌المللی (کشورهای ثالث) تحلیل شود. از منظر کشور متبوع، صرف اعلام رد تابعیت غیرایرانی، نمی‌تواند تأثیری بر زوال آن داشته باشد. زیرا هر نظام حقوقی بر اساس قوانین داخلی خود تعیین می‌کند که چه اشخاصی تبعه آن کشور هستند و شرایط ترک تابعیت آن کشور کدام است. بنابراین، اعلام رد تبعه خارجی، اگر چنان که از ظاهر ماده برمی‌آید صرفاً اعلام رد در مراجع ایرانی باشد، تأثیری بر تابعیت غیرایرانی شخص نخواهد گذاشت و تابعیت غیرایرانی او زمانی زایل خواهد شد که مطابق مقررات داخلی کشور متبوع خود ترک تابعیت کرده باشد. از منظر نظام حقوقی ایران هم ترک تابعیت یا اعلام رد تابعیت خارجی از شرایط احراز تابعیت اکتسابی ایران (بر اساس ماده ۹۷۹ قانون مدنی) نیست. از طرفی، در فرض تابعیت مضاعف هم صرفاً قانون ایران بر چنین شخصی اعمال می‌شود (الماسی ۱۳۸۷: ۲۴۲). با این حال، گفته شده «اطفال متولد شده در ایران، که والدین آن‌ها مقررات مربوط به ازدواج در نظام حقوقی ایران را رعایت کرده باشند، نیازی به رد تابعیت غیرایرانی ندارند و می‌توانند از تابعیت پدر غیرایرانی برخوردار باشند. اثر حقوقی الزام به رد تابعیت غیرایرانی آن خواهد بود که تابعیت مضاعف احتمالی طفل مذکور از دیدگاه مراجع اداری و سیاسی ایران معتبر خواهد بود» (عزیزی و حاجی‌عزیزی ۱۳۹۰: ۱۶۶). اما اعلام رد ترک تابعیت خارجی، حتی اگر در بروز تابعیت مضاعف مؤثر نباشد و در نظام‌های حقوقی دو کشور ایران و

کشور متبوع شخص اثری بر آن بار نشود، از یک جهت ممکن است حائز اهمیت باشد و آن تعیین تابعیت مؤثر شخص در کشورهای ثالث است. به این صورت که حتی اگر چنین شخصی دارای تابعیت مضاعف ایران و کشوری دیگر (کشور متبوع پدر) دانسته شود، اعلام رد تابعیت خارجی ممکن است یک اماره مهم در زمان تعیین تابعیت مؤثر او به نفع تابعیت ایرانی در نظر گرفته شود.

### تعمیم مقرر به فرزندان متولد از مردان غیرایرانی

در قانون جدید، ترکیب «مردان غیرایرانی» جایگزین «مردان خارجی» شده است. مرد غیرایرانی هر مردی است که تابعیت ایران را نداشته باشد و شامل مردانی که تابعیت خارجی دارند و نیز مردان بی تابعیت می‌شود. بنابراین، اعم از مرد خارجی است. این تغییر قلمرو اعمال ماده واحد را گسترش می‌دهد و می‌تواند فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردانی که تابعیت خارجی آن‌ها مسجل نیست را هم دربرگیرد. این تغییر می‌تواند در کاهش موارد بی‌تابعیتی مؤثر باشد و از این حیث مثبت ارزیابی می‌شود؛ هرچند برای ارزیابی کامل آن باید ملاحظات امنیتی و اقتصادی و سیاست‌های جمعیتی نیز مد نظر قرار گیرد.

### شمول قانون بر فرزندان حاصل از ازدواج‌های شرعی

در متن قانون اصلاحی، به فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیرایرانی، که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده‌اند یا می‌شوند، اشاره شده است. بنابراین، برای اعمال ماده واحد مذکور و اعطای تابعیت بر اساس آن رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی شرط نیست. این حکم در خصوص ازدواج‌هایی که قبل از تصویب این قانون صورت گرفته ناگزیر است. زیرا اصولاً قانون تعیین تکلیف تابعیت علاجی بود برای مشکل اطفال حاصل از این گونه ازدواج‌های شرعی. اما شمول آن به اطفالی که بعد از تصویب این قانون به دنیا می‌آیند یا حداقل ازدواج‌هایی که بعد از تصویب این قانون منعقد می‌شوند و تبدیل آن به یک قاعده عمومی منطقی به نظر نمی‌رسد. این مقرر می‌تواند موجب سوءاستفاده مهاجران غیرقانونی شود؛ به خصوص که در قسمت پایانی ماده واحد نیروی انتظامی مکلف شده است اقدام به صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی کند. بنابراین، ممکن است ازدواج، اعم از دائم یا موقت، با زن ایرانی بدون رعایت تشریفات قانونی و

تولد فرزند از او به طریقه‌ای برای تحصیل اقامت ایران تبدیل شود. علاوه بر این، حکم مذکور ممکن است انگیزه زنان ایرانی برای ازدواج با مردان مهاجر غیرقانونی را تقویت کند. چون دیگر نگرانی‌ای در خصوص تحصیل شناسنامه و تابعیت برای فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها وجود ندارد. بدین ترتیب، یگانه ضمانت اجرای عدم رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی مسؤلیت کیفری مرد خارجی است (موضوع ماده ۵۱ قانون حمایت خانواده). این حکم با اصول و مبانی نظام حقوقی ایران نیز سازگاری ندارد. زیرا بر اساس ماده ۵۱ قانون حمایت خانواده ازدواج مرد خارجی با زن ایرانی، بدون اخذ مجوز مقرر در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و رعایت سایر شرایط قانونی، جرم محسوب می‌شود؛ اما، در صورت تولد فرزند از زن ایرانی باید به مرد خارجی اقامت داده شود. در واقع ارتکاب جرم مقدمه اخذ یک امتیاز شده است!

### شرایط لازم برای اعطای تابعیت بر اساس قانون اصلاحی

در قانون مورد بحث، اعطای تابعیت به درخواست مادر و تقاضای خود شخص امکان‌پذیر است. شرایط اعطای تابعیت در هر دو فرض تقریباً یکسان است. در صورتی که مادر تابعیت ایرانی داشته باشد، پدر غیرایرانی باشد، و سن شخص کمتر از ۱۸ سال باشد مادر می‌تواند برای او تابعیت ایرانی درخواست کند. پس از رسیدن به هجده‌سالگی و در صورت عدم تقاضای مادر ایرانی، خود شخص می‌تواند تقاضای تابعیت کند. مطابق قانون اصلاحی، در هر دو فرض (درخواست مادر یا خود شخص)، اعطای تابعیت مشروط به نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه) است. پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام شود. مهلت مذکور در لایحه پیشنهادی دولت وجود نداشته و بعداً به جهت پیشگیری از اطاله استعلام و تضییع حق متقاضی تابعیت بدان افزوده شده است. اصولاً، در صورتی که در مهلت مقرر پاسخی به استعلام داده نشود شخص را باید فاقد مشکل امنیتی دانست.

برخلاف نداشتن سوءپیشینه کیفری، که مفهومی حقوقی و مشخص است، «مشکل امنیتی» مفهومی مبهم و قابل تفسیر است. آیا منظور ارتکاب جرایم علیه امنیت است یا مفهومی فراتر از آن؟ بهتر است مفهومی دقیق و قابل سنجش به عنوان شرط مقرر شود یا حداقل ضابطه‌ای برای تشخیص مشکل امنیتی ارائه شود.

در لایحه تقدیمی دولت و نیز در مصوبه مجلس، شرط نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات)، که در فرض درخواست تابعیت توسط خود شخص پس از رسیدن به هجده سالگی مقرر شده بود، در فرض تقاضای تابعیت توسط مادر وجود نداشت. شاید به همین دلیل شورای نگهبان، در بررسی اول، متن مصوب مجلس را به لحاظ مسائل کیفری و امنیتی تأیید نکرد. به نظر می‌رسد از حیث لزوم بررسی نداشتن مشکل امنیتی تفاوتی بین فرضی که مادر قبل از رسیدن فرزند به هجده سالگی برای او تقاضای تابعیت می‌کند با فرضی که خود فرد پس از رسیدن به هجده سالگی تقاضای تابعیت می‌کند وجود ندارد. ممکن است گفته شود احتمال مشکل امنیتی در خصوص شخصی که زیر هجده سال است کم است. در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت اولاً احتمال وجود مشکل امنیتی در خصوص شخص زیر هجده سال نیز وجود دارد، چنان که بسیاری از اعضای گروه‌های تروریستی را افراد زیر هجده سال تشکیل می‌دهند، ثانیاً منشأ مشکل امنیتی فقط خود شخص نیست و ممکن است پدر غیرایرانی او مشکل امنیتی داشته باشد که در این حالت اعطای تابعیت به فرزند چنین شخصی منطقی به نظر نمی‌رسد.

در قانون اصلاحی، احراز نداشتن مشکل امنیتی توأمان بر عهده وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفته و با توجه به وجود حرف «و» بین دو نهاد نظر هر دو باید بر نداشتن مشکل امنیتی باشد. بنابراین، اگر یکی از دو نهاد قائل به وجود و دیگری قائل به نبود مشکل امنیتی باشد، امکان اعطای تابعیت به شخص وجود ندارد. این در حالی است که در لایحه اصلاحی دولت و نیز مصوبه نخست مجلس تشخیص نداشتن مشکل امنیتی صرفاً بر عهده وزارت اطلاعات بود. موضوع دیگری که قابل بررسی است امکان اعتراض متقاضی به نظر مراجع فوق مبنی بر وجود مشکل امنیتی است که به نظر می‌رسد تصمیم هر دو مرجع قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری باشد.

### نوع تابعیت اعطایی بر اساس ماده واحده و قانون اصلاح آن

از زمان تصویب ماده واحده مصوب ۱۳۸۵، این سؤال همواره مطرح بوده است که تابعیت بر اساس آن اکتسابی است یا اصلی؟ همین سؤال در خصوص قانون اصلاحی هم مطرح بوده و بحث‌های مختلفی تحت عنوان «تابعیت مادری» درباره آن مطرح شده است. این سؤال از جهات



مختلف حائز آثار حقوقی است. از یک سو به استناد ماده ۹۸۲ قانون مدنی اشخاصی که تابعیت ایرانی را تحصیل کنند از برخی حقوق، از جمله تصدی سمت‌های سیاسی و نظامی و امنیتی، در ایران محروم‌اند. از سوی دیگر اگر تابعیت مذکور یک تابعیت اصلی باشد، آثار آن از بدو تولد جاری خواهد بود؛ درحالی‌که اگر از جنس تابعیت اکتسابی باشد، از زمان تحصیل تابعیت آثار حقوقی خواهد داشت. به نظر بعضی حقوقدانان «در قانون اخیر [ماده واحده] قانون‌گذار صرفاً به تابعیت اکتسابی توجه داشته و از همین رو تصریح کرده است که چنین فرزندی می‌تواند پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام تقاضای تحصیل تابعیت کنند. درحالی‌که به نظر موافقان این قانون در مجلس شورای اسلامی از مزایای قانون اخیر اعطای تابعیت ذاتی [اصلی] به جای تابعیت اکتسابی است که در همین راستا گواهی عدم سوء پیشینه هم درخواست شده است. این کودکان باید در زمان تقاضا تابعیت احتمالی پدر را رد نموده تا احتمال تابعیت مضاعف از بین برود. به نظر می‌رسد چون اعطای تابعیت بر اساس قانون اخیر با تقاضای متقاضی تحقق می‌یابد نظریه اکتسابی بودن قوی‌تر است» (توسلی نائینی ۱۳۹۰: ۴۹).

از ظاهر متن ماده واحده و تبصره ۲ آن چنین استنباط می‌شود که به افراد موضوع مقررات مزبور فقط تابعیت اکتسابی و نه تابعیت اصلی اعطا خواهد شد. چون در متن ماده واحده گفته شده «تقاضای تابعیت ایرانی نمایند» (عزیزی و حاجی‌عزیزی ۱۳۹۰: ۱۷۱) و چه بسا شخص تقاضای تابعیت ایرانی نکند و تابعیت هم به او اعطا نشود. این در حالی است که در بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی از تقاضای تابعیت سخن به میان نیامده است و با تحقق شرط اقامت شخص تابعیت ایران را به دست می‌آورد (سلجوقی ۱۳۹۵: ۱۹۵). مفاد بند «ب» ماده ۹۷۷ قانون مدنی هم این نظر را تأیید می‌کند. بر اساس این بند، در صورتی که مشمولین بند ۵ ماده ۹۷۶ بخواهند بر تابعیت پدر خود باقی بمانند، باید، پس از رسیدن به هجده سالگی، ظرف مدت یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان، دایر به اینکه آن‌ها را تبعه خود خواهد شناخت، به وزارت امور خارجه تسلیم کنند. این بند نشان می‌دهد تحصیل تابعیت ایران، پس از احراز شرایط مقرر در بند ۵، قطعی است و اگر شخص نمی‌خواهد تابعیت ایرانی به دست آورد، باید بر اساس بند «ب» ماده ۹۷۷ رفتار کند. ولی وضعیت در صدر ماده واحده بدین شکل نیست و شخص باید تابعیت ایران را تقاضا کند. در قانون اصلاح نیز مانند

ماده واحده صحبت از درخواست مادر یا تقاضای تابعیت از سوی خود شخص پس از رسیدن به هجده سالگی است؛ درحالی که اگر مقصود مقنن اعطای تابعیت اصلی بود، می توانست آن را با عبارتی دیگر بیان کند، مثلاً «اطفالی که از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی به دنیا آمده یا خواهند آمد تبعه ایران محسوب می شوند».

بررسی مشروح مذاکرات مجلس در جریان تصویب قانون ماده واحده هم دلالت بر این دارد که مد نظر واضعان این قانون تابعیت اکتسابی ایران بوده است و نه تابعیت اصلی. حتی نگرانی هایی از رسیدن این فرزندان به مناصبی که اختصاص به ایرانی الاصل ها دارد وجود داشته است. در واقع مجلس خواسته با اعطای تابعیت به این اشخاص آن ها از امتیازاتی که فرع بر تابعیت اصلی ایران است محروم باشند. علاوه بر این، شرطی که در این لایحه برای اعطای تابعیت به درخواست خود شخص مقرر شده است (رسیدن به هجده سالگی و نداشتن مشکل امنیتی) مشابه شرایطی است که معمولاً برای اعطای تابعیت اکتسابی لحاظ می شود و در ماده ۹۷۹ قانون مدنی هم بدان توجه شده است. در تعریف تابعیت اکتسابی یا اشتقاقی گفته شده: «موردی از تابعیت است که شخص در حیات خود با فاصله ای بعد از تولد در اثر مواردی چون ازدواج، اقامت، و غیره آن را به دست می آورد. در مقام مقایسه می توان گفت درحالی که تابعیت اصلی بر اساس اعمال اصل خون یا اصل خاک پدید می آید و در واقع تحمیل تابعیت به شخص است، تابعیت اکتسابی امری است اختیاری و نمی توان آن را به کسی تحمیل کرد؛ بلکه متقاضی باید آن را از دولتی بخواهد و آن دولت اگر مایل بود و مقرراتش اجازه داد، تقاضا را بپذیرد و تابعیت را اعطا کند» (سهرابی ۱۳۸۵: ۴۱؛ مدنی ۱۳۸۷: ۸۲). یکی از صاحب نظران حوزه حقوق بین الملل خصوصی ارزیابی خود از ماده واحده را بدین صورت بیان کرده است: «این مطلب به صورت ساده تر در بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی از هفتاد سال پیش وجود داشته و مطلب جدیدی نیست. درحالی که بند ۵ ماده ۹۷۶ چنین شخصی را دارای تابعیت ایرانی می داند، مصوبه ۸۵/۷/۲ با اشاره ای که به ماده ۹۷۹ (شرایط تحصیل تابعیت ایران) نموده این گونه افراد را به چشم خارجی ای نگاه می کند که قصد تحصیل تابعیت ایران را دارد، نه طفلی که در ایران به دنیا آمده و بر مبنای سیستم خاک (تولد در ایران)، با داشتن مادر ایرانی، دارای تابعیت ایرانی است» (ارفع نیا ۱۳۸۷: ۲۴).

با این حال، به باور برخی حقوقدانان، تفاوت اصلی تابعیت اعطایی بر اساس ماده واحد [و قانون اصلاح آن] با قواعد عام تابعیت اکتسابی ایران در اختیار دولت در خصوص پذیرش یا رد تقاضای تابعیت است. در نظام عام تابعیت اکتسابی، دولت در خصوص پذیرش یا رد تقاضاهای تحصیل تابعیت مختار است و احراز کامل شرایط تحصیل تابعیت هم دولت را ملزم نمی‌کند؛ در حالی که در خصوص مشمولان قانون اصلاحی به نظر نمی‌رسد این قاعده عام جاری باشد و دولت مکلف به اعطای تابعیت به آنهاست. پذیرش اختیار دولت در رد تقاضای تابعیت فلسفه وضع ماده واحد فوق را، که حل مشکل بی‌تابعیتی و بی‌هویتی فرزندان متولد از مادران ایرانی است، از بین می‌برد، ضمن اینکه شرط گسترده و قابل تفسیر 'نداشتن سوء پیشینه امنیتی' هم نگرانی‌ها در این خصوص را از بین می‌برد» (عزیزی و حاجی‌عزیزی ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۷۳).

قانون مورد بحث، در فرض درخواست تابعیت از سوی مادر، هیچ شرطی را برای اعطای تابعیت مقرر نکرده است. بنابراین، ممکن است گفته شود قانون‌گذار با اعطای تابعیت به فرزندان متولد از مادران ایرانی، بدون لحاظ محل تولد، درصدد گسترش سیستم خون بوده است. اما عبارتی از قبیل «به درخواست مادر» و «به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند» دلالت بر تابعیت اکتسابی دارد.

علاوه بر این، در قانون اصلاحی، اعطای تابعیت به نداشتن مشکل امنیتی مشروط شده است. مفهوم مخالف این شرط این است که در صورت وجود مشکل امنیتی تابعیت ایرانی به شخص اعطا نمی‌شود؛ در حالی که بر اساس اصل ۴۱ قانون اساسی امکان سلب تابعیت حتی به دلایل امنیتی یا کیفری وجود ندارد.

#### تأثیر قانون اصلاحی بر بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی

قانون اصلاحی چه تأثیری بر مقررات بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ و به طور کلی بر قواعد تابعیت ایران گذاشته است؟ در خصوص بند ۴ می‌توان گفت این بند ناظر به فرضی است که والدین هر دو خارجی باشند و یکی از آنها در ایران متولد شده باشد. البته این بند قاعده‌تاً فرضی را شامل می‌شود که زن ایرانی، در اثر ازدواج و تحمیل تابعیت، تابعیت خارجی می‌گیرد. حال اگر بنا بر قیاس اولویت و تنقیح مناط حکم فرض کنیم بند ۴ اطفال متولد در ایران از مادر ایرانی را نیز

دربرمی‌گیرد، باز هم شرط مذکور در صورتی محقق خواهد شد که مادر یا پدر نیز در ایران متولد شده باشند؛ درحالی‌که در قانون اصلاحی هیچ اشاره‌ای به محل تولد مادر نشده است و از آن مهم‌تر در خصوص خود فرزند نیز شرط تولد در ایران وجود ندارد. بنا بر اطلاق قانون اصلاحی، باید به طفل متولدشده از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی تابعیت اعطا کرد، هرچند طفل و هیچ‌یک از والدین (از جمله مادر) در ایران متولد نشده باشند. به عبارت دیگر، برای ایرانی شناختن اطفال مشمول این قانون فقط وجود دو عنصر لازم دانسته شده است: الف) مادر ایرانی و ب) پدر غیرایرانی. بنابراین، قلمرو بند ۴ ماده ۹۷۶ از دو جهت با قانون اصلاحی متفاوت است. اول اینکه این بند اصولاً ناظر به فرضی است که مادر خارجی است (مگر اینکه چنان‌که گفته شد مادر ایرانی از طریق قیاس اولویت بدان افزوده شود) و ثانیاً شرط اعمال این بند این است که فرزند و یکی از پدر یا مادر در ایران متولد شده باشد؛ درحالی‌که در قانون اصلاحی چنین شرطی وجود ندارد، حتی در خصوص خود فرزند. بنابراین، نسبت دو مقرر عموم و خصوص من وجه است<sup>۱</sup> و با توجه به تفاوت قلمرو (موضوع) احتمال نسخ این بند منتفی است.

اما در بند ۵ ماده ۹۷۶ هیچ اشاره‌ای به تابعیت مادر نشده است. ایرانی بودن یا نبودن مادر تأثیری در تابعیت فرزند ندارد (ارفع‌نیا ۱۳۹۵: ۸۵) و مقنن صرفاً تولد طفل در ایران از پدر خارجی را برای اعمال این ماده شرط دانسته است. بنا بر اطلاق این ماده، اطفال متولد از پدر خارجی و مادر ایرانی هم مشمول این بند خواهند بود. بنابراین می‌توان گفت ماده واحده سال ۱۳۸۵ و نیز قانون اصلاح آن در خصوص اطفال متولد از پدر خارجی و مادر ایرانی بند ۵ ماده ۹۷۶ را تخصیص زده است. زیرا شرایط اعطای تابعیت در این دو مقرر با یکدیگر متفاوت است. بنابراین، در حال حاضر اگر طفل از پدر خارجی و مادر خارجی در ایران متولد شود (در فرضی که هیچ‌یک از پدر و مادر هم متولد ایران نیستند) موضوع مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶ خواهد بود و

۱. فرزندان متولد از مادر ایرانی در خارج از ایران از شمول بند ۴ ماده ۹۷۶ خارج‌اند و اطفال متولد از پدر و مادر خارجی از شمول قانون اصلاحی. بنابراین، قدر مشترک دو قانون فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در ایران هستند؛ آن هم به شرط اینکه قیاس اولویت مطرح‌شده پذیرفته شود. در غیر این صورت و در فرضی که فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی از شمول بند ۴ خارج باشد، نسبت بین دو مقرر تباین خواهد بود.

اعطای تابعیت باید بر اساس شرایط این بند صورت گیرد. در مقابل، اگر طفل از پدر غیرایرانی و مادر ایرانی متولد شود، اعطای تابعیت بر اساس قانون اصلاح خواهد بود. مطابق نظر یکی از حقوقدانان «معلوم نیست که فرزندان متولدشده در ایران حاصل از نکاح مادر ایرانی و پدر خارجی، که هیچ‌کدام در ایران به دنیا نیامده‌اند، و فرزندان متولد در ایران ناشی از نکاح زن ایرانی با مرد غیرایرانی، که یکی از آن‌ها یا هر دو در ایران به دنیا آمده باشند و تابعیت شوهر در اثر عقد ازدواج بر زن ایرانی تحمیل نگردد، آیا مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶ می‌باشند یا اینکه این دسته از اطفال از مصادیق قانون ماده واحده مرقوم می‌باشند؟ چون بند ۵ ماده ۹۷۶ حذف نگردیده است، بنابراین، بر موضوعات واحد امکان حکومت قواعد و مقررات متفاوت وجود دارد که ایجاد چنین وضعیتی از شأن قانون‌گذاری کاملاً به دور می‌باشد» (فدوی ۱۳۸۵: ۷۷-۷۸). این دیدگاه مغایر با اصول تفسیر قوانین است. وقتی درباره موضوع واحد دو مقررۀ قانونی وجود داشته باشد، قاعدتاً، قانون جدید، که آخرین اراده قانون‌گذار است، باید اعمال شود. علاوه بر این، قلمرو بند ۵ ماده ۹۷۶ فراتر از ماده واحده است و طفل متولد در ایران از پدر و مادر خارجی را هم دربرمی‌گیرد. بنابراین، باقی ماندن آن پس از تصویب ماده واحده قابل توجیه است. بر این اساس می‌توان گفت ماده واحده و قانون اصلاح در خصوص اطفال متولد از پدر غیرایرانی و مادر ایرانی بند ۵ ماده ۹۷۶ را تخصیص می‌زند.

### نتیجه

۱. با یک تفسیر منطقی از بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، می‌توان نتیجه گرفت که اطفالی که از مادران ایرانی و پدران خارجی در ایران متولد شده‌اند تابعیت ایرانی دارند؛ آن هم تابعیت اصلی ایران. با این حال، عدم رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و عدم دریافت پروانه زناشویی در بیشتر ازدواج‌هایی که پس از انقلاب بین زنان ایرانی و مردان خارجی صورت گرفت جامعه را با خیل اطفال بی‌هویت و بی‌تابعیت مواجه کرد. راه‌حل قانون‌گذار برای علاج این درد مزمن و فراگیر تصویب قانون ماده واحده بود. این قانون امکان تحصیل تابعیت ایران را برای اطفال موضوع بحث پس از رسیدن به هجده‌سالگی و تحت شرایطی فراهم کرد. اما، این ماده واحده نیز گره از مشکل

نگشود و نهایتاً قانونی به تصویب رسید که بر اساس آن مادران ایرانی می‌توانند برای فرزندان خود درخواست تابعیت ایرانی کنند.

۲. ماده واحده و قانون اصلاح آن ناسخ بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی نیست. اما آن‌ها را در خصوص اطفال متولد از مادران ایرانی تخصیص می‌زند؛ بدین نحو که در فرضی که پدر و مادر شخص هر دو خارجی هستند تابعیت او بر اساس یکی از دو بند ۴ یا ۵ ماده ۹۷۶ تعیین می‌شود. ولی در فرضی که مادر ایرانی است، تعیین تابعیت بر اساس قانون اصلاح ماده واحده خواهد بود. در واقع، مستند قانونی تابعیت این اشخاص، که آخرین اراده قانون‌گذار در خصوص این موضوع است، ماده واحده مورد اشاره است. البته حذف شرط تولد در ایران سبب می‌شود قلمرو قانون اصلاحی نسبت به قانون مدنی گسترده‌تر باشد. زیرا، فرزند متولد از مادر ایرانی در خارج از ایران مطابق هیچ‌یک از بندهای ماده ۹۷۶ تبعه ایران محسوب نمی‌شود؛ ولی، بر اساس قانون اصلاح، اخذ تابعیت ایرانی توسط چنین اشخاصی امکان‌پذیر است.

۳. از متن قانون مذکور و به خصوص اینکه اعطای تابعیت منوط به درخواست مادر یا خود شخص است می‌توان استنباط کرد که تابعیت اعطایی بر اساس آن ماهیتاً یک تابعیت اکتسابی است و دارندگان این تابعیت از برخی حقوق دارندگان تابعیت اصلی ایران محروم‌اند.

۴. قانون‌گذار در قانون اصلاحی از هدف وضع قانون مذکور، که همانا رفع یک مشکل و تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی بوده، فراتر رفته و با تعمیم آن به آینده و همین‌طور پرداختن به مشکل بی‌تابعیت‌ها به وضع یک قاعده عمومی اقدام کرده است. گذشته از ایرادهای ماهوی وارد بر این اقدام، که مهم‌ترین آن حذف شرط تولد شخص در ایران و سکوت در خصوص تشریفات و نحوه اعطای تابعیت و نیز دوگانگی مراجع امنیتی دخیل است، اگر بنا بر وضع قاعده عمومی و اصلاح مقررات تابعیت ایران بود، بهتر بود این کار از طریق اصلاح ماده ۹۷۶ قانون مدنی انجام می‌شد.

۵. بنا بر مطالب مطروحه و با توجه به اینکه بسیاری از چالش‌های قانون اصلاح ناشی از نقص و اجمال و ابهام متن قانون است و نیز با توجه به قدمت مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی ایران- از جمله مقررات تابعیت- پیشنهاد می‌شود در قالب طرح یا لایحه‌ای این بخش از قانون مدنی

بازبینی و اصلاح شود؛ اصلاحاتی چون: ۱. در خصوص «مشکل امنیتی» ضابطه روشن و دقیقی ارائه شود؛ ۲. اکتسابی یا اصلی بودن تابعیت مشخص شود؛ ۳. در خصوص مسائل شکلی و تشریفات درخواست تابعیت تعیین تکلیف شود. مورد اخیر می‌تواند با پیش‌بینی یک آیین‌نامه اجرایی در قانون محقق شود. علاوه بر این، به نظر نگارندگان، حذف شرط تولد در ایران و نیز شمول قانون بر ازدواج‌های شرعی که پس از تصویب آن منعقد می‌شود به بررسی‌های کارشناسی بیشتر و بررسی جنبه‌های مختلف آن نیاز دارد تا در صورتی که برآیند نظرات کارشناسی آن‌ها را هم‌سو با مصالح ملی ندانست این موارد نیز در قانون اصلاح شوند.



## منابع

## کتاب

۱. ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۸۹). حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، بهتاب، ج ۲.
۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱۷، تهران، بهتاب، ج ۱.
۳. امامی، حسن (۱۳۸۳). حقوق مدنی، ج ۱۷، تهران، اسلامیه، ج ۴.
۴. سلجوقی، محمود (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۵، تهران، میزان، ج ۲.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱۰، تهران، میزان، ج ۱.
۶. سهرابی، محمد (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، گنج دانش.
۷. شیخ‌الاسلامی، محسن (۱۳۸۴). حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، گنج دانش.
۸. صفایی، سید حسین؛ اسدالله امامی (۱۳۹۵). مختصر حقوق خانواده، ج ۴۴، تهران، میزان.
۹. عزیزی، ستار؛ بیژن حاجی‌عزیزی (۱۳۹۰). تابعیت در حقوق ایران و بین‌الملل، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
۱۰. فدوی، سلیمان (۱۳۸۵). تعارض قوانین در حقوق ایران، تهران، طرح نوین اندیشه.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵). حقوق خانواده، تهران، یلدا.
۱۲. الماسی، نجادعلی (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۷، تهران، میزان.
۱۳. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل خصوصی ۱ و ۲، ج ۵، تهران، پایدار.
۱۴. نصیری، محمد (۱۳۹۷). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۳۳، تهران، آگه.

## مقالات

۱۵. ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۸۵). «تابعیت اطفال متولد در ایران از مادران ایرانی»، کانون وکلا، ش ۱۹۲ و ۱۹۳، صص ۹۰-۹۸.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). «ازدواج مختلط اتباع ایران»، تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۳، صص ۵-۲۷.
۱۷. ایمانی نائینی، محسن؛ محمود صادقی؛ فاطمه عبدی (۱۳۹۰). «بررسی امکان گسترش حمایت‌های حقوقی در مورد ازدواج زنان با اتباع غیرایرانی»، مطالعات راهبردی زنان، س ۱۴، ش ۵۴، صص ۹۱-۱۳۴.
۱۸. بیات‌کمیتکی، مهناز؛ مهدی بالوی (۱۳۹۴). «حق بر تابعیت، از حقوق بین‌الملل خصوصی تا حقوق



- بشر»، حقوق خصوصی، د ۱۲، ش ۱، صص ۱۲۹-۱۵۰.
۱۹. پروین، فرهاد (۱۳۷۸). «نگاهی دیگر به قانون حاکم بر احوال شخصیه خارجیان مقیم ایران»، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۲۴، صص ۲۴۱-۲۷۵.
۲۰. تدین، عباس؛ مجید یوسف (۱۳۸۷). «تأثیر ازدواج مرد خارجی و زن ایرانی بر تابعیت فرزندان»، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، د ۱۰، ش ۴۰، صص ۱-۳۲.
۲۱. توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۹۰). «تأملی بر وضعیت کودکان حاصل از ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹»، پژوهشنامه حقوق کیفری، س ۲، ش ۱، صص ۳۸-۵۸.
۲۲. دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۹۵). «تأملی در قلمرو ماده ۹۶۳ قانون مدنی و شمول آن نسبت به آثار نکاح زن ایرانی با مرد خارجی»، مطالعات حقوق خصوصی، د ۴۶، ش ۱، صص ۴۱-۶۱.
۲۳. صدر، شادی (۱۳۸۶). «مطالعه تابعیت مادری؛ نگاهی به سیاست‌های رسمی ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانی»، گفتگو، ش ۵۰.
۲۴. عابدیان، میرحسین (۱۳۷۸). «ابعاد حقوقی ازدواج با اتباع خارجی»، مجلس و پژوهش، ش ۲۸، صص ۳۳۳-۳۵۲.
۲۵. عباسی، عاطفه؛ فاطمه بداغی (۱۳۸۸). «حق تابعیت اطفال حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی»، فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ش ۵۱، صص ۸۱-۱۰۵.
۲۶. فدوی لنجوانی، سلیمان (۱۳۸۵). «نقدی بر قانون ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵»، کانون، ش ۶۷، صص ۶۶-۸۷.
۲۷. نجفی‌راغب، مهرانوش (۱۳۹۲). «کودکان بدون شناسنامه، بیگانه در سرزمین مادری، بررسی وضعیت فرزندان بدون تابعیت و بدون شناسنامه حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در ایران»، حقوق و اقتصاد.
۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). «نگاهی به لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی»، اعتماد، ش ۴۲۹۴، صص ۶-۷.
۲۹. وحدتی شبیری، حسن؛ زهره افشار قوچانی (۱۳۹۳). «تعیین وضعیت حقوقی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، د ۱۸، ش ۴، صص ۱۴۷-۱۶۸.

**ج) قوانین**

۳۰. قانون مدنی افغانستان، مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ ش.
۳۱. قانون تابعیت افغانستان، مصوب ۱۴۲۱ ق/ ۱۳۷۹ ش.
۳۲. قانون تابعیت عراق، مصوب ۲۰۰۶ م.

**سایر**

۳۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اظهارنظر کارشناسی درباره «لایحه اصلاح قانون تعیین تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی»، قابل دسترسی در:

[http://rc.majlis.ir/fa/legal\\_draft/show/1093763](http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/1093763)

**Books**

34. Almasi, N. A. (2008). *Private International Law*. Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
35. Arfania, B. (2010). *Private International Law*, Vol 2, Tehran: Behtab Publishing. (in Persian)
36. Arfania, B. (2016). *Private International Law*, Vol 1, Tehran: Behtab Publishing. (in Persian)
37. Azizi, S. & Hajiazizi, B. (2011). *Nationality in Iran & International Law*. Hamamdan: Bu-Ali Sina Publishing. (in persian)
38. Emami, S. H. (2004). *Civil Law*, Vol 4, Tehran: Islamieh Publishing. (in Persian)
39. Fadavi, S. (2006). *Conflict of Laws in Iranian Law*. Tehran: Tarhenovin andisheh Publishing. (in Persian)
40. Katozian, N. (1996). *Family Law*. Tehran: Yalda Publishing. (in persian)
41. Madani, S. J. (2008). *Private International Law*, Vol. 1 & 2, Tehran: Paydar Publishing. (in Persian)
42. Nasiri, M. (2018). *Private International Law*. Tehran: Agah Publishing. (in Persian)
43. Safai, S. H. & Emami. A. (2016). *A Concise of Family Law*. Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
44. Saldjoughi, M. (2008). *Private International Law*, Vol 2, Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
45. Saldjoughi, M. (2016). *Private International Law*, Vol 1, Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
46. Sheikholeslami, S. (2005). M. *Private International Law*. Tehran: Ganjedanesh Publishing. (in Persian)
47. Sohrabii, M. (2006). *Private International Law*. Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)

**Articles**

48. Abbasi, A. & Bodaghi, F. (2009). Citizenship Rights to Children Born to Iranian Mothers and Non-Iranian Fathers. *Family Law and Jurisprudence Journal*, 14 (51), pp. 85-105. (in Persian)
49. Abedian, M. H. (1999). Legal Aspects of Marriage with Foreign Nationals. *Majlis &*

- Rahbord Quarterly, 29, pp. 333-352. (in Persian)
50. Arfania, B. (2006). Nationality of Children born in Iran from Iranian Mothers. *Iranian Central Bar Law Review*, 192 & 193, pp. 90-98. (in Persian)
51. Arfania, B. (2008). Iranian's Mixed Marriage. *Azad Legal Researches Journal*, 3, pp. 5-27. (in Persian)
52. Bayat-Komitaki, M. & Balavi, M. (2015). The Right to Nationality, From Private International Law up to Human Rights. *Private Law Journal*, 12(1), pp. 129-150. (in Persian)
53. Daneshpajooch, M. (2016). Contemplation on the Consept and Scope of Article 963 of Civil code and its Inclusion for the Effects of Marriage of an Iranian Female with a Foreign Male. *Private Law Studies Quarterly*, 46(1), pp. 41-61. (in Persian)
54. Fadavi, S. (2006). A Qritique of the Act of determination of the nationality of children from marriages of Iranian women with foreign men (approved in 2006). *Iranian Central Bar Law Review*, 67, pp. 66-87. (in Persian)
55. Naeeni-Imani, M., Sadeghi, M., & Abdi, F. (2012). Possibility of Extension the Legal Protections of Marriage with Foreign Nationals. *Women's Sterategic studies*, 14(54), pp. 91-134. (in Persian)
56. Najafi-Ragheb, M. (2014). Children without Identity Certificate, alien in their motherland, Situation of children without Nationality and without Identity certificate born from Marriage of Iranian Women and foreign men in Iran. *Law & Economy journal*. (in Persian)
57. Najafi-Ragheb, M. (2019). An Overview on the Bill Amending of Act of determination of the nationality of children from marriages of Iranian women with foreign men, *Etemad (Daily Newspaper)*. 4294. (in Persian)
58. Parvin, F. (1999). Another Aspect of the law governing the personal status of foreigners residing in Iran. *International Law Review*, 17(24), pp. 277-315. (in Persian)
59. Sadr, SH. (2007). Claim for Maternal Nationality: A Look at Formal Policies for Marriage of Iranian Women and Afghan Men, *Goftogu Quarterly*, 50. (in Persian)
60. Tadayoun, A. & Yousefi, M. (2008). The Impact of An Iranian Woman's Marriage with a Foreign Male on Her Children's Nationality. *Women's Sterategic studies*, 10(40), pp. 157-195. (in Persian)
61. Tavassoli-Naini, M. (2011). efection about the Situation of Children from Marriage of Foreign Men and Iranian Women with regard to 1989 Convention on the Rights of Child. *Criminal Law Research*, 2(1), pp. 38-58. (in Persian)
62. Vahdati-Shobeyri, S. H. & Afshar-Qouchan, Z. (2015). Determining the Civil Status (Legal Status) of Children of Iranian Women Married with Foreign Men. *Comprative Law Research Journal*, 18(4), pp. 147-168. (in Persian)

#### Acts

63. Afghanistan Civil Code (Approved in 1977). (in Persian)
64. Afghanistan Nationality Act (Approved in 2000). (in Persian)
65. Iraq Nationality Act (Approved in 2006)

**Other**

66. Islamic Parliament Research Center Of The Islamic Republic Of IRAN. Expert Report of Bill Amending of Act of determination of the nationality of children from marriages of Iranian women with foreign men. available at: [majlis.ir/fa/legal\\_draft/show/1093763](http://majlis.ir/fa/legal_draft/show/1093763)

